شخصیت

حمزة بن عبدالمطلب


بسم الله الرحمن الرحیم

شخصیت حمزه بن عبدالمطلب

نویسنده:

مجله حوزه

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شخصیت حمزه بن عبدالمطلب

مشخصات کتاب

نویسنده : مجله حوزه

ناشر : مجله حوزه

مقدمه

یکی از شخصیت های بزرگ در تاریخ اسلام، که در راه قرآن و دفاع از اسلام فداکاری و ایثار را به حدّ اعلی رسانید و در شرایطی که توحید در مقابل شرک و خداپرستی در مقابل بت پرستی قرار گرفته بود و پیامبر اسلام به یاران صدیق و حامیان مخلص و دلسوز نیازمند بود، به یاری اش شتافت، جناب حمزهٔ بن عبدالمطلب بود که مانند امیرمؤمنان، علی(علیه السلام) در مقابل پرچم شرک، لوای توحید را برافراشت و تعهّد و ایمان خویش را در صحنه های جنگ متجلّی ساخت. او در سخت ترین و خطرناک ترین وضعیت جنگ، که حتی بعضی از یاران نزدیک پیامبر معرکه را ترک کرده، به قلّه کوه ها و شیار درّه ها پناه می بردند، دلیرانه مقاومت نمود، نه با یک دست که با دو شمشیر و با هر دو دست از رسول خدا دفاع کرد و با سپر قرار دادن وجود خویش، حملات پیاپی دشمن را که متوجه جان آن حضرت بود، درهم شکست تا اینکه با فجیع ترین وضع به مقام ارجمند شهادت نایل شد و در تاریخ به عنوان یکی از بزرگترین سرداران و مجاهدی مقاوم از مجاهدان شجاع و با اخلاص و از مدافعان و شهدای نامی اسلام و به صورت عالیترین الگو و سرمشق متجلّی گردید.حمزه در قرآن مجید و در احادیث و روایات، مورد تقدیر و تجلیل فراوان قرار گرفته و مدال پرافتخار «سید الشهدا» از سوی رسول خدا نصیب او گردید و لقب زیبای «اسدالله» و «اسدالرسول» بر او داده شد.و ائمه هدی(علیهم السلام) با شخصیت و فداکاری او، در مقابل مخالفان مناظره و احتجاج و در میان پیروانشان مباهات و افتخار نموده اند و در اثر ترغیب و تشویق رسول خدا(صلی الله علیه وآله) بر زیارت قبر حضرت حمزه، قبر و حرم آن بزرگوار در طول تاریخ مورد توجه مسلمانان قرار گرفت و زیارت او را مانند زیارت رسول خدا(صلی الله علیه وآله) برخود لازم دانستند و در ساختن حرم و گنبد و بارگاه بر روی قبر او، مانند حرم پیامبر(صلی الله علیه وآله) و ائمه(علیهم السلام)به همدیگر سبقت می جستند و از این رو قبر شریف آن بزرگوار دارای مجموعه ای از حرم و رواق و گنبد و بارگاه بود که قدمت و پیشینه آن، به قرن های اول اسلام می رسید ولی نزدیک به یکصد سال قبل، این حرم شریف مانند سایر بقاع و حرم ها در مدینه و مکه، به وسیله وهابیان تخریب گردید و اینک از این بقعه پاک، بجز یک قبر خاکی و ساده چیزی باقی نیست.

حذف فرهنگی

شخصیت بارز حضرت حمزه سیدالشهدا، مجاهدت و فداکاری و حضور حماسی او در صحنه های جنگ، حمایت و دفاع وی از مقام شامخ نبوت در سال های اول بعثت و پس از هجرت و شهادت مظلومانه و شجاعانه اش ایجاب می کرد که یاد او و ذکر فضایل و معرفی شخصیت او، به صورت بزرگترین و زیباترین الگو و سرمشق در منابع اسلامی منعکس و در رأس بیان فضایل سایر شخصیت های اسلامی؛ از اقوام و عشیره و صحابه رسول خدا قرار گیرد. لیکن مراجعه به منابع حدیثی و مجموعه های اوّلیه اهل سنت نشانگر این است که متأسفانه همان سعی و تلاش که از سوی خلفای اموی در کم رنگ کردن شخصیت امیرمؤمنان(علیه السلام) و تحقیر ابوطالب و عقیل بکار گرفته شده به علل و انگیزه های خاصی، درباره حضرت حمزه عمیق تر و در حذف شخصیت

او قوی تر گردیده است.به طوری که در بخش آخر این بحث ملاحظه خواهید کرد، پس از گذشت چهل سال از جنگ اُحُد و در دوران خلافت معاویه و طبق دستور وی، تصمیم گرفته شد به بهانه حفر قنات در احد قبر حضرت حمزه را نبش و پیکر او را به نقطه دیگر منتقل نمایند و یاد و اثر او را به تدریج به فراموشی بسپارند ولی چون این تصمیم با شکست مواجه گردید، راه دیگری را برگزیدند؛ یعنی مصمّم به حذف فرهنگی آن بزرگوار از طریقِ به فراموشی سپردن فضایل او شدند و بدینوسیله هدف خویش را تأمین نمودند و بدینگونه، شخصیت آن بزرگوار در هاله ای از ابهام و در پشت ابرهای تاریخ و حدیث قرار گرفت.این حرکت را در منابع دست اول و در مجموعه های حدیثی که محصول همان سیاست ها است و در عین حال صحیح ترین منابع تلقّی می شود، می توان به وضوح مشاهده کرد و با مراجعه به صحاح و مسانید به این حقیقت تلخ پی برد:برای نمونه دو کتاب مهم حدیثی «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» را، که در رأس همه منابع حدیثی قرار گرفته اند، مطرح می کنیم:بخشی از این دو کتاب را «کتاب الفضائل» و نقل مناقب اقوام و عشیره و اصحاب و یاران رسول خدا(صلی الله علیه وآله) به خود اختصاص داده و برای ذکر فضایل تک تک آنان باب مستقلی عنوان گردیده است:در باب فضایل اقوام پیامبر(صلی الله علیه وآله)فضایل «عباس بن عبدالمطلب»، «جعفربن ابی طالب»، «عبدالله بن جعفر» و فضایل «زبیر» پسر عمه رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و «ابوالعاص» داماد آن حضرت که در جنگ بدر به اسارت مسلمانان درآمد و پس از آزادی اسلام را (شاید هم برای دست یابی به همسرش زینب) پذیرفت، آمده است و باز در این بخش فضایل «سعدبن ابی وقّاص» به عنوان اینکه او از قبیله «آمنه» مادر رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و از اخوال و دایی های «قبیله ای» پیامبر محسوب است، ذکر گردیده ولی از حضرت «حمزه» محبوب ترین عموی رسول الله اسمی به میان نیامده است! و در بخش فضایل اصحاب برای بیان فضایل «عبدالله بن سلام»، «عبدالله بن عمر»، «ابوهریره»، «ابوموسی اشعری» و بالأخره برای بیان فضایل «ابوسفیان» و «معاویه» باب مستقلی عنوان گردیده ولی از بزرگترین صحابه پیامبر، مهاجر الی الله و مجاهد فی سبیل الله «حمزه سید الشهدا» یاد نشده است، گویی پیامبر اسلام نه عمویی به نام «حمزه» داشته و نه صحابه ای به نام «ابو عماره»!و سایر صحاح و سنن نیز از این رویه پیروی کرده و در این مسیر حرکت نموده اند و هلمّ جرّا...!و بدینگونه با یکی دیگر از مظلومان تاریخ و حدیث آشنا می شویم که نه تنها شخصیت او در حدّ شخصیت دشمنان درجه یک اسلام، سردمداران کفر والحاد و سلسله جنبانان بدر و اُحد معرفی نگردیده، بلکه برای موهون و مشوّه ساختن او، مطالب ناروا و نابجایی، که دون شأن و مقام آن بزرگوار است، به ساحت مقدّسش نسبت داده شده که متأسفانه گهگاهی به تألیفات خودی ها نیز راه یافته است.این نوع بینش و حق کشی برای ما، هم تکلیف آور است و هم مشکل زا!تکلیف آور از آن جهت که این عملکرد ما را موظف می سازد برای دفاع از مظلومی بپا خیزیم و در کنار زدن پرده های تعصب و زدودن غبارهای ضخیم، که قرن ها بر آن گذشته است، تلاش کنیم و آن چهره تابناک و مظلوم را از پشت ابرهای تیره و تار به جامعه اسلامی مان بنمایانیم.و اما مشکل زا است؛ زیرا که این حرکت موجب شده است که حقایق فراوانی در معرفی شخصیت آن حضرت از دسترس خارج و در لابلای حوادث تاریخی دفن شود و طبعاً در بدست آوردن بقایای ناچیز هم با مشکل مواجه گردیم و در نیل به مطلبی به جای مراجعه به مظان و جایگاه خود، به منابع دیگر و فصول مختلف مراجعه کنیم.ولی در عین حال می توان با مراجعه به متون تفسیری و حدیثی و تاریخی، به مطالب ارزشمند و بجای مانده درباره آن حضرت دست یافت که خوانندگان ارجمند را با بخشی از فضایل آن بزرگوار آشنا و راه را برای کسانی که فرصت پیگیری و تحقیق بیشتری در این زمینه دارند هموار می سازد.با این مقدمه لازم است در این مختصر چهار موضوع به ترتیب زیر بحث و بررسی شود:۱ـ حضرت حمزه از دیدگاه قرآن۲ـ حضرت حمزه در کلام رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و ائمه هدی(علیهم السلام)۳ـ حضرت حمزه در جنگ ها۴ـ حرم حضرت حمزه در بستر تاریخ

نگاهی کوتاه به دوران زندگی حضرت حمزه

حمزهٔ بن عبـدالمطلب ملقّب به «سیدالشـهدا»، «اسدالله» و «اسدالرسول» کنیه او ابوعماره و ابویعلی است. مادرش هاله دختر «وهیب» و دختـر عموی «آمنه» بنت وهب، مـادر رسول خـدا(صـلی الله علیه وآله) است.حضـرت حمزه عموی پیـامبر اسـلام و برادر رضـاعی او است؛ زیرا هر دو از پستان مادری بنام ثُوَیْبه شیر خورده اند.حضرت حمزه، بنابر نظر مشهور دو سال از رسول خدا بزرگتر بود و بنا به گفته مشـهور مورّخان، او در سال دوم بعثت، اسـلام را پذیرفته است.بنا به نقل ابن اثیر و گروهی از مورّخان، چون حمزه سیدالشهدا ایمان خویش را اظهار کرد، سردمداران قریش فهمیدند که پیامبر از این پس نیرومند شده و اسلام دارای مدافع قوی گردیده است و با گرویدن وی به اسلام، از طرح ها و نقشه های زیادی که بر علیه اسلام و مسلمین ترسیم کرده بودند منصرف شدند.حضرت حمزه همزمان با هجرت رسول خـدا(صـلی الله علیه وآله) به مدینه، هجرت نمود و در صف مهاجرینِ اوّلین قرار گرفت. او اولین فرمانده و پرچمدار اسـلام است که از سوی رسول خدا در رأس گروهی از مسلمانان برای پاسخ گویی به حمله مشرکان، به محلّی بنام «سیف البحر» اعزام گردیـد.در جنگ های متعدد دیگر مانند بدر و احد شـرکت نمود و در بدر امتحان سـختی را از سـرگذراند و از سـران قریش چند نفر، از جمله شیبهٔ بن ربیعه و طُعَیمهٔ بن عدی را به دست خود هلاک ساخت و در قتل یکی دیگر از مشرکان نامی؛ یعنی «عتبـهٔ بن ربیعه» بـا امیرمؤمنـان(علیه السـلام) شـرکت جست.شـجاعت حضـرت حمزه در جنـگ هـا زبانزد خاص و عام و مورد تأیید دوست و دشـمن است ولـذا در جنگ بـدر و اُحُـد وی با هر دو دست و با دو شمشـیر می جنگیـد.حضـرت حمزه در میدان جنگ با نصب کردن «پرِ شترمرغی» به سینه اش از دیگر فرماندهان و جنگجویان مشخص و برجسته بود و به همین جهت در جنگ بدر یکی از سـران دشمن پس از آنکه به اسارت مسلمانان در آمد و چشمش به حمزه افتاد، پرسید: این کیست؟ گفتند: حمزهٔ بن عبدالمطلب. وی با تعجب گفت «ذٰلِکَ فَعَلَ بِنا الأفاعِیل» او بود که صـفوف ما را تار و مار کرد و ما را به روز سیاه نشاند!حضـرت حمزه در سال سوم هجرت در جنگ احد پس از کشتن سی و یک تن از سران دشمن به مقام ارجمند شهادت نایل گردید.

نگاهی از افق دیگر

خداوند متعال مجد و شـرف نسب، توأم با عزّت ایمان و دفاع از حریم اسلام را برای حمزه سید الشهدا برگزیده است؛ زیرا او فرزند بزرگترین شخصـیت جزیرهٔ العرب و رییس مکّه و قریش؛ یعنی عبدالمطلب [۱] بن هاشم بن عبد مناف بن قصـی است و نسب حمزه نسب خاتم پیامبران است.حمزه سیدالشـهدا هم شـریف است هم شرافت و کرامت را از پدر و اجداد خویش به ارث برده است. مادر حمزه، دختر عموی «آمنه» مادر رسول خـدا است و او از طرف مادر نیز دارای نسبی است والا و شـریف که پیامبر خاتم نشأت گرفته از نسب والا و خاندان اصـیل است.شـرافتی دیگر: او هم عموی رسول الله(صـلی الله علیه وآله) است هم برادر رضاعی او و پیامبر در میان او و زیـد بن حارثه [۲] پیمان اخوّت بست.و حمزه سـید الشـهدا از جهات متعدد بر دیگران تفوّق یافت و صفات عالیه و اخلاق حسـنه را از آن شـجره اصـیل و خانـدان شـریف به ارث برد.و از جهت ایمان، او جزو سابقین در اسـلام است و آنگاه به رسول خـدا ایمـان آورده است که فقط یکسال و انـدی از بعثت آن حضـرت می گـذشت و تعـداد مسـلمانان از سـی و نه مرد و بیست و سه زن تجاوز نمی کرد و آن روز اسـلام دارای هیچ نفع مادی و دنیوی نبود. هر چه در باره اسلام پیش بینی می شـد فشار و شکنجه بـود و تحمـل اسـتهـزا و آزار مشـرکـان، ولی برای حمـزه در مقابـل ایـن آزارهـا و شـکنجه هـا جز برای حق و دفـاع از حریـم اسـلام نمی اندیشید. (...یَبْتَغُونَ فَضْلا مِنْ اللهِ وَرِضْوَاناً...). [۳] .وقبل از اسـلام: حمزه از دوران کودکی برای پیامبر اسلام علاوه بر قرابت نزدیک و اینکه رسول خـدا فرزنـد برادر حمزه بود، با آن حضرت صـمیمی و رفیق شـفیق و برادری دلسوز و مهربان به شـمار می آمد؛ زیرا پیامبر خـدا متولّـد گردید، عبدالمطلب بانویی به نام «ثویبه» را احضار کرد و بدو دسـتور داد همانگونه که به حمزه شـیر داده است به محمّد نیز شـیر دهد و بدینگونه آن دو، با هم برادر رضاعی شدند.حمزه و محمّد دوران طفولیت را در خانه شیبهٔ الحمد، عبدالمطلب سپری کردند و در میان این دو طفل الفت و صـمیمیّت عمیق حاکم گردید و محمّد(صلی الله علیه وآله) در این دوران و دوران های

بعد به حمزه، نه تنها به عنوان عمو و عضوی از اعضای خانواده عبدالمطلب، بلکه به عنوان برادری که از یک پدر و مادر متولّد شده اند می نگریست؛ زیرا پیامبر که در دوران جنینی پدر را از دست داده بود و همانند حمزه تحت کفالت و قیمومیّت عبدالمطلب قرار گرفت و از این پس محمّد و حمزه در زیر یک سقف و در کنار یک سفره و به صورت دو عضد و دو برادر در یک خانواده زندگی را ادامه دادند، اخوّت رضاعی، قرابت ذاتی، هم سن بودن، در کنار هم زیستن و از عواطف عبدالمطلب یکسان برخوردار بودن و... عواملی بود که علاقه و الفت آنها را نسبت به هم، روز به روز عمیق تر و صمیمیت متقابل در میان آنها را برای همیشه پی ریزی کرد.در ازدواج رسول خدا: پیامبر(صلی الله علیه وآله)وقتی قدم به بیست و پنج سالگی گذاشت، تصمیم گرفت با «خدیجه بنت خویلد» آن بانوی عاقله ازدواج کند، اینجا است که حمزه به همراه برادرش ابوطالب [۴] به سوی خانه «خویلد» حرکت می کند و در این وصلت مبارک و ازدواج تاریخی جهان بشریت، نقش خواستگاری را به عهده می گیرد و در ایجاد شجره طیّبه ای که حاصل ازدواج رسول خدا با خدیجه است، قدم های اوّلیه را برمی دارد.این بود دورنمایی از بخشی ارتباط که در میان حمزه و رسول خدا بود و در قسم سوم این بحث، با بخش دیگریی از ارتباط و علاقه در میان آنان آشنا خواهیم شد.

حضرت حمزه از دیدگاه قرآن

در قرآن مجید چون به آیاتی مانند آیه شریفه (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَنَصَرُوا أُوْلَئِكَ هُمْ الْمُؤْمِنُونَ حَقّاً لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ) [۵] می رسیم، حمزة بن عبدالمطلب را در رأس این مؤمنان حقیقی مشاهده می کنیم:ایمان آوردن در وضعیت سخت، یاری کردن و پناه دادن به رسول خدا در مقابل دشمنان، آنگاه که همه مشرکان و دشمنان بر علیه او بسیج شده بودند.و باز چون به آیه شریفه (لاَ يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُوْلَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنْ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا...) [۶] می رسیم حضرت حمزهرا در اوّل این صف از مؤمنان می بینیم که قبل از فتح، جان خویش را در طبق اخلاص گذاشت و با دشمنان به قتال و جهاد پرداخت و به خیل اوّلین شهدای اسلام پیوست؛ قتال و شهادتی که با مثله و قطعه قطعه شدن اعضای بدنش توأم گشت و علف های بیابان بر پیکر خونینش کفن گردید.و آیات متعدد دیگری که سیدالشهدا، حمزه(علیه السلام) مصداق روشن و نمودار بارزی از این آیات است.ولی در قرآن مجید آیات متعدد دیگری وجود دارد که طبق نظر مفسران و محدثان و بر اساس مضمون روایات از ائمه هدی(علیهم السلام) بخصوص درباره حضرت حمزه سیدالشهدا نازل شده و خداوند سبحان در این سند آسمانی و از طریق وحی بر ایمان و پایداری او در دفاع از اسلام مهر تأیید زده و استقبال او از شهادت در راه خدا را ستوده است که در این زمینه به نقل شش آیه بسنده می کنیم:۱ ـ (هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمْ الْحَمِيمُ) [۷] .«اینان دو گروهند که در باره پروردگارشان به مخاصمه و جدال پرداختند، کسانی که کافر شدند، لباس هایی از آتش برای آنها بریده شده و مایع سوزان و جوشان بر سرشان ریخته می شود.»در صحیح بخاری [۸] و صحیح مسلم [۹] و سنن ترمذی [۱۰] و ابن ماجه [۱۱] و منابع دیگراز اهل سنت و شیعه [۱۲] آمده که حضرت ابوذر(رحمه الله) فرموده است: این آیه در باره دو گروه؛ گروهی حامی و مدافع سرسخت اسلام و گروه دیگر دشمن کینه توز و سرسخت اسلام نازل گردیده است. گروه اوّل امیرمؤمنان و حمزه و عبیده [۱۳] و گروه دوم ولید، عتبه و شیبه از سران قریش می باشند که در جنگ بدر مقابل هم قرار گرفتند.در تفسیر فرات کوفی نزول آیه شریفه را از طریق سُدیّ از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) نقل و اضافه می کند که رسول خدا پس از نزول این آیه فرموده است:«هؤلاءِ الثلاثة يَوم القيامة كواسطة القلادة فِي الْمُؤمنين و هؤلاءِ الثلاثة كَواسطة القلادة فی الكفّار.» [۱۴] .«در روز قیامت این سه تن در میان مؤمنان همانند مهره درشت گردن بند خواهند درخشید، همانگونه که این سه تن دیگر در میان کفّار و مشرکین مانند مهره درشت گردن بند خواهند بود.»۲ـ (مِنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلا). [۱۵] .«در میان مؤمنان مردانی هستندکه بر عهدی

که با خدا بسته اند، صادقانه ایستاده اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند) و گروهی دیگر در انتظارنـد و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند.»در تفسیر قمی ابن ابی الجارود از امام باقر(علیه السلام) نقل می کند که این آیه در باره حمزه و جعفر و علی(علیهم السلام) نازل گردیده است. منظور از«مَنْ قَضَی نَحْبَهُ» حمزه و جعفر و منظور از «مَنْ یَنْتَظِر»علی بن ابی طالب است. [۱۶] .ابن حجر مکی نقل می کند امیرمؤمنان(علیه السلام) در کوفه بر فراز منبر بود که از ایشان درباره این آیه پرسیدند. حضرت فرمود:«أللّهمَّ غُفْراً» این آیه در باره من و عمویم حمزه و پسر عمویم عُبیده نازل شده است که عبیده در بدر و حمزه در اُحد به شهادت رسیدند و اما من منتظر شقی ترین این امّتم تا محاسنم را از خون سرم خضاب کند. این پیمانی است که حبیبم ابوالقاسم(صلی الله علیه وآله) از آن خبر داده است. [۱۷] .۳ ـ (أمْ نَجْعَلُ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ کَالْمُفْسِدِینَ فِی الاْرْضِ أمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِینَ کَالْفُجَّارِ). [۱۸] .«آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، همچون مفسدان در زمین قرار دهیم یا پرهیزکاران را همچون کافران؟!»در تفسیر فرات کوفی از ابن عباس نقل می کند که این آیه در باره سه تن از مؤمنان متقی که عمل صالح انجام داده بودند؛ علی بن ابی طالب و حمزه و عبیده و سه نفر مشرک مفسد؛ عتبه و شیبه و ولیدبن عتبه نازل گردیده است. ابن عباس اضافه می کند این دو گروه بودند که در جنگ بدر با هم به مبارزه برخاستند؛ علی(علیه السلام) ولید را کشت، حمزه عتبه را و عبیده شیبه را. [۱۹] .۴ ـ (یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَکُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ) [۲۰] .«ای کسانی که ایمان آورده اید، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید.»مرحوم طبرسی در باره مصداق «صادقین» که در پایان آیه شریفه آمده است، چند احتمال ذکر نموده و می گوید: و گفته شده است که منظور از صادقین در این آیه همان افرادی است که خداوند در آیه دیگر از آنها یاد کرده و فرموده است: (رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَی نَحْبَهُ...) یعنی حمزهٔ بن عبدالمطلب و جعفربن ابی طالب و «وَ مِنْهُم مَنْ یَنْتَظِرُ» یعنی علی بن ابی طالب(علیه السلام). [۲۱] .۵ ـ (وَمَنْ یُطِعْ اللهَ وَالرَّسُولَ فَأُوْلَئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللهُ عَلَیْهِمْ مِنْ النَّبِیِّینَ وَالصِّدِّیقِینَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِینَ وَحَسُنَ أُوْلَئِکَ رَفِیقاً). [۲۲] .«و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند (در روز رستاخیز) همنشین کسانی خواهد بود که خدا نعمت خود را بر آنان تمام کرده؛ از پیامبران و صدّیقان و شهدا و صالحان، و آنها رفیق هایی خوبی هستند.»شیخ طوسی از انس بن مالک نقل می کند که روزی با رسول خدا(صلی الله علیه وآله) نماز صبح را بجای آوردیم، آن حضرت پس از نماز رو به ما نشست، من عرض کردم: ای فرستاده خدا، اگر صلاح بدانید تفسیر این آیه (وَمَنْ یُطِعْ اللهَ...) را بیان کنید. پیامبر فرمود: مصداق «نَبِیِّینَ» من هستم و مصداق «صِدِّیقِینَ» برادرم علی است و مصداق «شهداء» عمویم حمزه و اما مصداق «صالحان» دخترم فاطمه و دو فرزندش حسن و حسین می باشند. [۲۳] .۶ ـ (مَنْ کَانَ یَرْجُو لِقَاءَ اللهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللهِ لآَت وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ - وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا یُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ...). [۲۴] .«کسانی که امید به دیدار و لقای پروردگار و رستاخیز دارند، (در اطاعت او می کوشند) زیرا سر آمدی که خدا تعیین کرده، فرا می رسد. و کسی که (در راه خدا) جهاد و تلاش می کند برای خود جهاد می کند.»حسین بن سعید از ابن عباس نقل می کند که این آیه در باره بنی هاشم نازل گردیده که از آنها است حمزهٔ بن عبدالمطلب و عبیدهٔ بن حارث. ابن عباس می افزاید: درباره آنها این آیه نیز نازل گردیده است؛ (وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا یُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ...) [۲۵] .

حضرت حمزه در گفتار ائمه

اشاره

اینک به نقل و بیان گفتار ائمه هدی(علیهم السلام) در این زمینه می پردازیم و سخن آن بزرگواران را که همانند حدیث پیامبر(صلی الله علیه وآله)در بیان شخصیت حضرت حمزه به عنوان یکی از افتخارات از خاندان نبوت و در کنار شخصیت وجود

مقـدس رسول الله و امیرمؤمنان و حسـنین و حضـرت مهـدی(علیهم السـلام)عنوان گردیـده است، در اختیار خواننده ارجمند قرار می دهیم:

حضرت حمزه در گفتار و احتجاج امیرمؤمنان

اشاره

حمیری [۳۷] در قرب الإسـناد آورده است که امیرمؤمنـان(علیه السـلام) فرمـود:«منّـا سـبعةٌ خَلَقَهم الله عزّ و جـلّ لم یخلق فی الأرض مثلهم؛ مِنّا رسول الله(صـلی الله علیه وآله)سـیّد الأوّلین و الآخرین، خاتم النّبیّین و وصـیّه خیر الوصـیّین و سـبطاه خیر الأسـباط؛ حَسَناً و حُسَیناً و سیّد الشهداء حمزهٔ عمّه و من قد کان مع الملائکهٔ جعفر و القائم عجّ». [۳۸] .«خداوند در میان خاندان ما هفت نفر خلق کرد که در روی زمین ماننـد آنهـا را نیافریـده است. آنگـاه در معرفی این هفت تن چنین فرمود: از مـا است رسول خـدا که سـیّد اوّلین و آخریـن و خـاتم پیـامبران است. و از مـا است وصـیّ او که بهـترین اوصـیا است و دو سـبطش حسن و حسـین که بهـترین اسـباطند و عمویش سید الشهدا و جعفر که به همراه فرشتگان پرواز می کند و قائم عجّ.»

حضرت حمزه در احتجاج امیرمؤمنان در شورای شش نفری

عمربن خطـاب هنگـام مرگش خلافـت را به شورای شـش نفری، متشـکّل از امیرمؤمنـان، عثمان بن عفّان، طلحه، زبیر، عبـدالرحمان عوف و سـعدبن ابی وقّـاص محوّل نمود و دسـتور داد پس از مرگ وی این شـش نفر در خانه ای برای تعیین خلیفه جمع شونـد و با وی بیعت کننـد، به طوری که اگر چهـار نفر با یکی از آنان بیعت کرد و تنها یک نفر امتناع ورزیـد، گردن او را بزننـد و اگر دو نفر امتنـاع کرد گردن آن دو نفر را بزننـد و زمینه را طوری فراهم نمود که بـا عثمـان بن عفـان بیعت نمودنـد. در این جلسه امیرمؤمنـان سخنانی ایراد کرد و خصوصـیات خانواده اش را برای اتمام حجّت برشـمرد تا اینکه فرمود: «شـما را به خـدا سوگنـد می دهم آیا در میان شـما بجز من کسـی هست که عمویش سید الشـهدا باشـد؟ گفتند: نه. (نشدتکم بالله هَلْ فیکُم اَحَدٌ عَمُّهُ سیّد الشـهداء غیری؟! قالوا: لا). [۳۹] .

حضرت حمزه در احتجاج امیرمؤمنان در بصره

مرحوم کلینی [۴۰] از اصبغ بن نباته نقل می کند: روزی که در بصره امیرمؤمنان(علیه السلام) بر لشگر طلحه و زبیر پیروز گردید، در حالی که به شتر مخصوص رسول خدا(صلی الله علیه وآله) سوار بود در معرفی خود و خاندانش خطاب به مردم چنین فرمود:«آیا می خواهیـد بهترین خلق در قیـامت را برای شـما معرفی کنم؟ ابوایوب انصـاری گفت: آری، ای امیر مؤمنان معرفی کن، زیرا تو همیشـه شاهـد و حاضـر بودی و مـا غـایب. امیر مؤمنـان(علیه السـلام) فرمود: بهـترین مردم در روز قیـامت هفت نفر از فرزنـدان عبـدالمطلب خواهنـد بود که انکار نمی کنـد فضیلت آنها را مگر کافر. در اینجا عمّار عرض کرد: ای امیرمؤمنان، آنها را بنام معرفی کن، فرمود: روزی که خدا مردم را در یک وادی جمع می کند، بهترین آنها پیامبرانند و افضل پیامبران محمد(صلی الله علیه وآله)است و بهترین هر امّت پس از پیامبرشان وصـیّ آن پیامبر است تا پیامبر دیگری مبعوث شود، پس بهترین همه اوصـیا وصیّ محمد است (علیه و آله السـلام). آنگاه فرمود: آگاه باشـید که افضل خلق بعد از اوصیا، شهدا هستند و افضل همه شهدا حمزهٔ بن عبدالمطلب و جعفربن ابی طـالب است کـه دارای دو بـال رنگیـن است. و این دو بـال از این امت به کسـی جز وی داده نشـد و خداونـد به وسیله او بهمحمد کرامت و شـرافت بخشـید و دیگر دو سـبط پیامبر حسن و حسین و دیگری مهدی است که او را از خاندان ما انتخاب می کند. آنگاه

این آیه را خواند: (وَمَنْ یُطِعْ اللهَ وَالرَّسُولَ فَأُوْلَئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللهُ عَلَیْهِمْ مِنْ النَّبِیِّینَ وَالصِّدِّیقِینَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِینَ وَحَسُنَ أُوْلَئِکَ رَفِیقاً - ذَلِکَ الْفَضْلُ مِنْ اللهِ وَکَفَی بِاللهِ عَلِیماً). [۴۱] .امیر مؤمنان(علیه السلام) در این بیان، حضرت حمزه را در فضیلت و منزلت در روز قیامت در ردیف پیامبر و امیر مؤمنان و حسنین و حضرت مهدی(عجّ) قرار داده و با خواندن آیه شریفه «وَ مَنْ یُطِعْ اللَّه...» او را از مصادیق شهدایی که قرآن مجید از آنان یاد نموده، معرفی کرده است. [۴۲] .

حضرت حمزه در احتجاج امیرمؤمنان با معاویه

امیر مؤمنان(علیه السلام) در پاسخ نامه ای که معاویه به آن حضرت نوشته بود، در معرفی خاندان خود و بیان نقاط ضعف خاندان معاویه، به نکاتی اشاره می کند و حضرت حمزه را همانند حسنین، «سیّدَی شباب اَهْل الجنّهْ»، از امتیازات این خاندان می شمارد و می فرماید:«أَلا ـ تَرَی غَیْرَ مُخْبِر لَکَ، وَلکنْ بِنِعْمَهِْ اللهِ أُحَدِّثُ أَنَّ قَوْماً اسْتُشْهِدوا فی سَبیلِ اللهِ تَعَالَی مِنَ المُهَاجِرینَ وَ الأَنْصَارِ، وَلِکُلٍّ فَضْلٌ، حَتَّی إِذَا اسْتُشْهِدَ شَهِیدُنَا قیلَ: سَیِّدُ الشُّهَدَاءِ، وَ خصَّهُ رَسُولُ اللهِ(صلی الله علیه وآله) بِسَبْعینَ تَکْبیرَهًْ عِنْدَ صَلاتِهِ عَلَیْهِ... وَ أَنَّی یَکُونُ ذلکَ وَمِنَّا النَّبِیُّ وَ مِنْکُمُ الْمُکَذِّبُ، وَمِنَّا أَسَدُاللهِ وَمِنْکُمْ أَسَدُ الاَحْلافِ، وَمِنَّا سَیِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّهِْ، وَمِنْکُمْ صِبْیَهُْ النَّارِ وَمِنَّا خَیْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِینِ، وَمِنْکُمْ حَمَّالَهُْ الْحَطَبِ...» [۴۳] .«مگر نمی بینی ـ نه اینکه بخواهم خبرت دهم بلکه به عنوان شکر و سپاسگزاری نعمت خداوند می گویم ـ جمعیتی از مهاجران و انصار در راه خدا شربت شهادت نوشیدند و همه آنان مشمول فضل خداوند می باشند، امّا هنگامی که شهید ما (حمزه) شربت شهادت نوشید به او گفته شد «سیدالشهدا» و رسول الله هنگام نماز بر وی (بجای پنج تکبیر) هفتاد تکبیر گفت... چگونه این دو خاندان با هم برابر است در حالی که پیامبر (محمّد) از ما است و تکذیب کننده او (ابوجهل) از شما.اسدالله (حمزه) از ما است و اسدالأحلاف؛ یعنی ابوسفیان سرکرده و سامان دهنده احزاب برای جنگ با پیامبر از شما. دو سیّد و اقای جوانان بهشت (حسن و حسین) از مایند و کودکان آتش (فرزندان مروان یا عقبهٔ بن ابی معیط) از شما. بهترین زنان جهان (فاطمه) از ما است و حمالهٔ الحطب (همسر ابولهب) از شما...»

حضرت حمزه در احتجاج امیرمؤمنان با دانشمند یهودی

در روایت مشروحی که حضرت موسی بن جعفر(علیه السلام) از پدران خود از حضرت حسین بن علی(علیهما السلام)نقل کرده، چنین آمده است:یکی از دانشمندان یهود، پس از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) در مدینه در جلسه ای که گروهی از صحابه؛ از جمله امیرمؤمنان(علیه السلام)حضور داشتند، شرکت نمود و در تفضیل حضرت ابراهیم(علیه السلام)و بعضی انبیای گذشته بر پیامبر اسلام، به صورت مناظره دلایلی ذکر کرد و امیر مؤمنان(علیه السلام) به یکایک دلایل او پاسخ گفت؛ از جمله مسائلی که آن دانشمند مطرح نمود این بود که:«فانّ هذا ابراهیم قد اَضجع وَلَدَهُ و تلّه للجبین...»«این ابراهیم بود که فرزند خود اسماعیل را برای اجرای امر خداوند بر زمین انداخت و صورت دلبندش را به روی خاك گذاشت و آماده ذبح او گردید، ولی در پیامبر شما چنین حرکتی وجود نداشته است.»امیر مؤمنان(علیه السلام) در پاسخ وی فرموده:«لَقَدْ کانَ کَذلکَ وَ لَقَدْ اُعْطِیَ اِبْراهیم بعد الأضجاع الفداء و محمد اصیب بأفجع منه فجیعهْ انّه وقف عَلی عَمِّه حمزهْ اسدالله و اسدالرسول و ناصر دینه و قد فرّق بین روحه و جسده فلم یبیّن علیه حرقهً و لم یفض علیه عبرهً و لم ینظر الی موضعه من قلبه و قلوب اهل بیته لیرضی الله عزّوجلّ بعبده و یَسْتَلِم لأمره فی جمیع الفعال و قال: لولا أن تحزن صفیّهْ لترکته حتّی یحشر من بطون السِّباع و حواصل الطّیر لولا أن یکون سنهً بعدی لفعلت ذلک».«این مطلب را که در باره حضرت ابراهیم گفتی صحیح است، ولی خداوند برای جبران این ناراحتی، بلافاصله فدیه و عوض (گوسفند بهشتی) را بر وی فرو فرستاد. اما محمد(صلی الله علیه وآله) بر مصیبتی بالاتر از آن مبتلا گردید؛ زیرا در کنار جسد بی روح و مثله شده عمویش و ناصر و یاور دینش، حمزه اسدالله و اسدالرسول قرار گرفت ولی برای جلب رضای خداوند و تسلیم امر او صبر و

شکیبایی را در پیش گرفت، نه اظهار ناراحتی کرد و نه اشکی جاری ساخت و نه به جایگاه و محبوبیت حمزه که در دل پیامبر و خاندانش از آن برخورداربود، توجّه نمود و چنین فرمود: اگرنبود حزن و اندوه صفیه و اینکه پس از من مردم از این روش پیروی کنند، پیکر حمزه را دفن نمی کردم تا از شکم درندگان و پرندگان محشور شود.» [۴۴] .

حضرت حمزه در احتجاج امام حسن مجتبی

شیخ طوسی(رحمه الله) از امام صادق از پدر ارجمندش امام باقر و او از امام سجّاد(علیهم السلام)نقل می کند که: امام حسن مجتبی(علیه السلام) در یک محاجّه و مناظره با معاویه چنین فرمود:«... قال الحسن بن علی فیما احتجّ علی معاویهٔ: و کان مِمَّن استجاب الرسول الله(صلی الله علیه وآله) عمّه حمزهٔ و ابن عمّه جعفر فقتلا شهیدین رضی الله عنهما فی قتلی کثیرهٔ معهما من اصحاب رسول الله(صلی الله علیه وآله) فجعل الله تعالی حمزهٔ سید الشهداء من بینهم و جعل لجعفر جناحین یطیر بهما مع الملائکهٔ کیف یشاء من بینهم و ذلک لمکانهما من رسول الله(صلی الله علیه وآله) و منزلتهما و قرابتهما عند رسول الله وصلّی عَلی حمزهٔ سبعین صلاهً من بین الشهداء الذین استشهدوا معه».«و از کسانی که دعوت رسول خدا را اجابت کردند، عمویش حمزه و پسر عمویش جعفر بود که هر دو به همراه گروهی از اصحاب پیامبر شربت شهادت نوشیدند اما خداوند از میان همه آنان حمزه را به عنوان «سیدالشهدا» معرفی کرد و برای جعفر دو بال عنایت فرمود که آزادانه در میان فرشتگان پرواز می کند و این دو امتیاز برای این دو شهید به جهت موقعیت «معنوی» و قرابت آنها نسبت به رسول خدا بود و باز رسول خدا از میان همه شهدا که با حمزه به شهادت رسیده بودند، تنها بر پیکر او هفتاد بار نماز خواند.» [۴۵] .

حضرت حمزه در احتجاج حسین بن علی

حسین بن علی(علیهما السلام) در صبح عاشورا، پس از تنظیم صفوف لشکر خویش، بر اسب سوار شد و در برابر دشمن قرار گرفت و با صدای بلند و رسا، خطاب به افراد لشگر عمر سعد، سخنان مفصّلی ایراد کرد و با آنان اتمام حجّت نمود و در ضمن این بیانات، چنین گفت:«أیّها الناس أنسبونی من اَنا ثمّ ارجعوا إلی انفسکم و عاتبوها و انظروا هل یحلّ لکم قتلی و انتهاک حرمتی؟! اَلَستُ ابن بنت نبیّکم و ابن وصیّه و ابن عمّه و اوّل المؤمنین بالله و المصدّق لرسوله بما جاء من عند ربّه؟ أوَلَیس حمزهٔ سید الشهداء عمَّ أَبی أوَلَیس جعفر الطیّار عمّی أوَلَم یبلغکم قول رسول الله لی ولِاَخی هذان شباب اهل الجنّهٔ...». [۴۶] .«مردم! بگویید من چه کسی هستم، سپس به خود آیید و خویشتن را ملامت کنید و ببینید آیا قتل من و شکستن حرمتم برای شما جایز است؟ آیا من فرزند دختر پیامبر شما نیستم؟ آیا من فرزند وصیّ و پسر عموی پیامبر شما نیستم؟ مگر من فرزند کسی نیستم که پیش از همه به خدا ایمان آورد و پیش از همه رسالت پیامبر را تصدیق کرد؟آنگاه فرمود: آیا حمزه سید الشهدا عموی پدر من نیست؟ آیا جعفر طیّار عموی من نیست؟ آیا شما سخن پیامبر را در حق من و برادرم نشنیده اید که فرمود: این دو، سروران جوانان بهشت هستند؟...»

حضرت حمزه در گفتار و احتجاج علی بن الحسین

اشاره

صدوق(رحمه الله) از ثابت بن ابی صفیه نقل می کند:«نَظر علیّ بن الحسین سیّد العابدین(علیهما السلام) الی عبیدالله بن عبّاس بن علیّ بن ابی طالب(علیه السلام)فاستعبر ثمّ قال: ما مِنْ یوم اَشَدّ علی رسول الله مِنْ یوم اُحُد قُتِلَ فیه عمّه حمزهٔ بن عبدالمطلب اسدالله و اسد رسوله و بعده یوم موته قتل فیه ابن عمّه جعفربن ابی طالب، ثمّ قال و لا یوم لیوم الحسین(علیه السلام) اذ دلف الیه ثلثون ألف

رجل یزعمون اَنّهم من هذه الأمّة کلٌّ یتقرّب اِلی الله عزّ و جلّ بدمه...»«روزی علی بن الحسین(علیهما السلام) عبیدالله فرزند عباس بن علی را دیـد و اشک در چشم آن بزرگوار حلقه زد، آنگاه فرمود: برای پیامبر روزی سـخت تر از جنگ احد پیش نیامد؛ زیرا در آن روز بود که عمویش حمزهٔ بن عبـدالمطلب، اسـدالله و اسـدالرسول شـربت شـهادت نوشـید و پس از احـد سـخت ترین روز برای آن حضـرت جنگ موته بود که پسـر عمویش جعفربن ابی طالب را شـهید کردند. و سـخت تر از روز حسـین(علیه السلام) پیش نیامده؛ زیرا سـی هزار نفر آن بزرگوار را احـاطه کرده بودنـد که همه آنها خود را جزو امّت پیامبر(صـلی الله علیه وآله) تصور می کردنـد و همه آنها با ریختن خون فرزند همان پیامبر به پیشگاه خدا تقرّب می جستند...» [۴۷] .

تعصّبی که پاداش آن بهشت است

کلینی(رحمه الله) از حبیب بن ثـابت نقـل می کنـد که امـام سـجاد(علیه السـلام) فرمود:«لم یـدخل الجنّهٔ حَمیّهٔ غیر حمیّهٔ حمزه بن عبدالمطلب و ذلک حین اسـلم غضبـاً للنّبی فی حدیث السـلا الّذی اُلقی علی النبی(صلی الله علیه وآله)». [۴۸] .«هیچ تعصبی صاحب خود را داخل بهشت نکرد، جز تعصب حمزهٔ بن عبدالمطلب، آنگاه که بچه دان شتری به وسیله مشرکین مکه به سر و صورت پیامبر انـداخته شـد و حمزه برای دفـاع ازآن حضـرت و دفع شـرّ دشـمنان، اسـلام را پـذیرفت.»مشـروح این جریان در بخش آینـده، از نظر خوانندگان خواهد گذشت.

حضرت حمزه در محاجه امام سجاد

یکی از خطبه های تاریخی و مهیّج و انقلابی که به وسـیله امام سـجاد(علیه السلام) ایراد گردیده و در منابع تاریخی ثبت شده است، خطبه ای است که آن حضـرت پس از حـادثه عـاشورا و به هنگـام اسـارت اهل بیت پیامبر(صـلی الله علیه وآله) در شام و در مسـجد جامع این شهر ایراد کرد؛ جلسه ای که انبوه شرکت کنندگان در نماز جمعه و از جمله شخص یزیدبن معاویه و درباریان وی، در آن شرکت داشـتند.در این مقـاله، به نقل یک فراز از آن خطبه مهم، که محل شاهـد ما است بسـنده می کنیم و آن را از مقتل خوارزمی (متوفای ۵۶۸) می آوریم:وی می نویسـد: در این مجلس حسّـاس، پس از آنکه علی بن الحسـین بر عرشه منبر قرار گرفت و حمـد و ثنـای پروردگـار را بجـای آورد، چنین فرمود:«أیّهـا النـاس اُعْطینـا سـتّاً و فضـلنا بسـبع، اعطینـا العلم و الحلم و السـماحهٔ و الفصاحهٔ و الشـجاعهٔ و المحبّهٔ فی قلوب المؤمنین و فضّلنا بأن منّا النّبیّ المختار محمداً(صلی الله علیه وآله) و منّا الصدیق و منّا الطیّار و منّا اسدالله و اسدالرسول و منّا سیّدهٔ نساء العالمین فاطمهٔ البتول [۴۹] و منّا سبطا هذه الأمّهٔ و سیّدا شباب أهل الجنّهٔ...» [۵۰] .

حضرت حمزه در کلام امام صادق

عیاشـی از حسـین بن حمزه نقل می کند که گفت: از امام صادق(علیه السـلام) شـنیدم که می فرمود: چون رسول خدا(صلی الله علیه وآله) در کنار جسد مثله شده حضـرت حمزه قرار گرفت، چنین گفت:«أللّهمّ لک الحمد و الیک المشـتکی و أنت المستعان عَلی ما أری».سـپس فرمود: اگر من هم پیروز شوم از مشـرکان چنـد برابر مثله خواهم کرد! در اینجا بود که این آیه شـریفه نازل شـد: (وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَیْرٌ لِلصَّابِرِینَ). [۵۱] .امام صادق فرمود پیامبر(صـلی الله علیه وآله) با نزول این آیه فرمود: «اَصْبِرُ، اَصْبِرُ»؛ «من هم صبر خواهم کرد.» [۵۲] .

حضرت حمزه در احتجاج محمد حنفیه

صـدوق(رحمه الله) از زرّین نقل می کند که از محمدبن حنفیه(رضـی الله عنه) شـنیدم که چنین می گفت:«فینا ستّ خصال، لم تکن

فی أحد ممّن کان قبلنا و لا تکون فی أحد بعدنا، مِنّا محمّد سیّد المرسلین و علیّ سیّد الوصیّین و حمزهٔ سیّد الشهداء و الحسن و الحسین سیّدا شباب أهل الجنّهٔ و جعفربن أبی طالب المزیّن بالجناحین یَطِیرُ بِهِما فی الجنّهٔ حیث یشاء و مهدیّ هذه الأمّهٔ الّذی یصلّی خَلْفَه عیسی بن مریم». [۵۳] .

حضرت حمزه در احتجاج شیخ مفید

شیخ مفید(رحمه الله) می گوید: گروهی از جوانان شیعه برای تعلّم و فرا گیری مطالب کلامی، در پای درس من حاضر می شدند، روزی یکی از آنها گفت: حضرت استاد! روز گذشته در جلسه ای بودم که طبرانی، دانشمند زیدی مذهب نیز حضور داشت. او در چند مطلب بر ما شیعه اشکال و اعتراض کرد که من پاسخ قانع کننده ای نداشتم؛ از جمله اشکالات وی این بود که: شما شیعیان به بعضی از عقاید و اعمالی که سنّی های حنبلی مذهب دارند انتقاد و اعتراض می کنید، در حالی که در موارد متعدد با آنان هم عقیده بوده و مانند آنان عمل می کنید. و چند مورد را اینگونه برشمرد: زیارت قبور اولیا، عبادت کردن در نزد آن قبور و....شیخ مفید می فرماید: به آن شاگرد گفتم: نزد طبرانی برو و پاسخ پرسش های او را همانگونه که من توضیح می دهم با او درمیان بگذار.شیخ مفید به یکایک پرسش های طبرانی پاسخ مشروح داد تا به پرسش در باره زیارت قبور اولیا رسید و گفت:به طبرانی بگو که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) در حال حیات خویش، هم به مسلمانان دستور داد که قبر حضرت حمزه را زیارت کنند و هم خود به زیارت قبر عمویش و سایر شهدا می پرداخت و همچنین دخترش فاطمه زهرا(علیها السلام) نیز مکرّر به زیارت قبر عمویش حمزه می رفتند. پس از رحلت پیامبر(صلی الله علیه وآله) و طبق روش آن حضرت مسلمانان هم به زیارت قبر او می رفتند و در کنار این قبر به زیارت و عبادت می پرداختند.بنابراین اگر عمل شیعه در باره زیارت مشاهد ائمه و پیشوایان، دور از عقل و عملی حنبلی! باشد پس این، اسلام و رسول خدا است که راه خلاف عقل را پیش پای مسلمانان قرار داده و آنان را بکار ناروایی واداشته است. مسلم است که چنین گفتاری ناشی از ضعف ایمان و عدم بصیرت در دین است. [۵۴] .این بود، از گفتار معصومان و بزرگان دین درباره عظمت و شخصیت حضرت حمزه که ما به دست آوردیم.

حضرت حمزه در حدیث رسول خدا

اشاره

اینک به بیان بخشی از فضایل حضرت حمزه می پردازیم که از زبان رسول خدا(صلی الله علیه وآله) نقل شده و به دست ما رسیده است، و با بخشی دیگر، در صفحات آینده و به مناسبت های مختلف آشنا خواهیم شد.

حمزه، سید همه شهدا، جز انبیا و اوصیا است

شیخ المحدّثین صدوق(رحمه الله) در ضمن حدیث مفصّلی، با اسناد به حضرت سلمان، نقل می کند:«در ایام مریضی رسول خدا(صلی الله علیه وآله) که به ارتحال آن بزرگوار منتهی گردید، در کنار بستر آن حضرت بودم که فاطمه زهرا(علیها السلام)وارد شد، وقتی ضعف شدید را در پدر بزرگوارش دید، اشک به صورتش جاری گردید. رسول خدا برای تسلّی و آرامش دخترش، از عنایات و برکات خداوند بر اهل بیت سخن گفت و بخشی از نعمت های خدا را، که بر این خاندان ارزانی داشته است، بر شمرد تا بدینجا رسید که:... دخترم! ما اهل بیتی هستیم که خداوند شش صفت و ویژگی را بر ما عطا کرده است که بر هیچیک از گذشتگان و آیندگان عطا ننموده است؛ زیرا پیامبر ما سیّد انبیا و مرسلین است و آن پدر تو است و وصیّ ما سید اوصیا است و آن

همسر تو است و شهید ما سیدالشهدا است و آن حمزهٔ بن عبدالمطلب عموی پدر تو است.فاطمه(علیها السلام) گفت: ای فرستاده خدا، آیا او فقط سید شهیدانی است که با وی به شهادت رسیده اند؟پیامبر فرمود: نه، بلکه او سید شهدای اوّلین و آخرین، بجز انبیا و اوصیا است.» [۲۶] .با توجه به مضمون این حدیث، معلوم می شود که هم حضرت حمزه و هم حضرت حسین بن علی(علیهما السلام) برای همیشه، از افتخار «سید الشهدا» بودن برخوردارند. و این لقب برای همیشه به آن دو بزرگوار اطلاق می گردد؛ با این تفاوت که حسین بن علی حتی نسبت به حضرت حمزه هم سید و سرور است ولی حضرت حمزه سید است نسبت به سایر شهدا.

حضرت حمزه از سروران اهل بهشت است

شیخ صدوق همچنین از انس بن مالك نقل می کند که: رسول خدا(صلی الله علیه وآله)فرمود: ما فرزندان عبدالمطلب، سروران اهل بهشتیم. رسول الله، حمزه سید الشهدا، جعفر ذوالجناحین، علی، فاطمه، حسن، حسین و مهدی(علیهم السلام). [۲۷] .

حضرت حمزه، محبوب ترین عموی رسول خدا

صدوق(رحمه الله) از امام صادق(علیه السلام) وآن بزرگوار از جدّش رسول خدا نقل می کند که فرمود:«اَحَبّ اِخوانی اِلَیَّ علّی بن أبی طالب و أحَبّ أعْمامی اِلیَّ حَمْزَهُ». [۲۸] .«محبوب ترین برادرانم علی بن ابی طالب و محبوب ترینِ عموهایم حمزه است.»

حمزه محبوب ترین نام ها در نزد رسول خدا

کلینی(رحمه الله) از امام صادق(علیه السلام) نقل کرده است که:«جاءَ رَجلٌ اِلَی النّبیّ(صلی الله علیه وآله) فقال یا رَسُول الله وُلِدَ لی غلامٌ فماذا اُسَمّیه؟ قال: سَمِّهِ بأحَبِّ الأسماء اِلیّ؛ حَمْزهُ». [۲۹] .«شخصی محضر رسول خدا(صلی الله علیه وآله) آمد و عرض کرد: ای فرستاده خدا، فرزند ذکوری برایم متولّد شده است، چه نامی بر وی نهم؟ فرمود: او را «حمزه» نام بگذار که محبوب ترین نام ها در نزد من است.»

حمزه یکی از چهار راکب در قیامت

مرحوم صدوق(رحمه الله) در ضمن حدیثی از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) چنین نقل می کند:«و ما فی القیامهُ راکبٌ غَیرنا وَ نَحنُ أربعهٌ فَقام اِلَیه العَبّاس بن عبدالمطلب، فَقال: مَنْ هُم یا رسول الله؟ فقال: امّا أَنا فَعَلی البراق... و عَمّی حمزهٔ بن عبدالمطلب اسدالله و اسد رسوله سید الشهداء عَلی ناقتی الغضباء... و أخی علیّ، عَلی ناقهٔ من نوق الجنّهٔ». [۳۰] .«در قیامت همه پیاده هستند بجز ما چهار تن. عباس بن عبدالمطلب عرض کرد: ای رسول خدا، آن چهار تن کدامند؟ فرمود: اما من سوار بر براق خواهم بود... و عمویم حمزهٔ بن عبدالمطلب اسدالله و اسد رسول و سید شهدا بر شتر غضبای من سوار خواهد شد. و برادرم علی بر شتری از شتران بهشتی.»

حضرت حمزه انجام دهنده نیکی ها و بجا آورنده صله رحم

ابن حجر عسقلانی نقل می کند که: رسول خدا چون در کنار جسد مُثله شده عمویش حمزه نشست، خطاب به وی چنین فرمود:«رَحِمکَ الله أی عمّ، لَقَدْ کُنتَ وَصُولاً لِلرَّحِمِ فَعُولاً لِلْخیرات». [۳۱] .«ای عموا! خدای رحمت کند تو را، که در صله رحم و انجام دادن کارهای نیک فعّال و کوشا بودی.»و این توصیف از زبان رسول خدا و معرفی حضرت حمزه به عنوان «وَصُول رَحِم» و «فَعول خیرات» امتیازی است که اختصاص به آن حضرت دارد.

حضرت حمزه شفیع در روز قیامت

در حدیث مفصّلی که امیر مؤمنان(علیه السلام)از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) نقل نموده، آن حضرت، درباره حضرت حمزه می فرماید:«اما انّ حمزهٔ عمّی یُنَحّی جهنّم مِن مُحِبّیه». [۳۲] .«همانا در قیامت عمویم حمزه جهنم را از دوستدارانش دور خواهد کرد.»

در پایه عرش نوشته شده است: حمزه اسدالله و...

در بصائرالدرجات در حدیثی از امام باقر(علیه السلام) از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) نقل کرده که آن حضرت در باره تعداد انبیا و تعداد اولوالعزم از آنان و اینکه هر پیامبری دارای وصی بوده، سخن گفته و آنگاه به خصوصیات خود و خاندانش اشاره می کند و در ضمن آن می فرماید:«وَعَلی قائمهٔ العرش مکتوبٌ: حمزهٔ اسدالله و اسد رسوله و سیّد الشهداء». [۳۳] .

حضرت حمزه در دعای رسول خدا

ابن ابی الحدید نقل می کند [۳۴] که درجنگ خندق چون امیرمؤمنان(علیه السلام) با عمروبن عبدوَدّ مواجه شدند و مبارزه آنان آغاز گردید، پیامبر(صلی الله علیه وآله) رو به آسمان کرد و دستانش را بالا گرفت و این دعا را مکرّر خواند:«أللّهمّ اِنّکَ اَخَذْتَ مِنّی عُبیدهٔ یومَ بَدر وَ حمزهٔ یَوْمَ اُحُد فَاحْفَظ عَلَیَّ الیومَ علیّاً (...رَبِّ لَا تَذَرْنِی فَرْداً وَأَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ)». [۳۵] .«خدایا! پسر عمویم عبیده را در جنگ بدر و عمویم حمزه را در جنگ احد از من گرفتی پس امروز علی را برایم نگهدار! خدایا! مرا تنها نگذار، وَ انْتَ خَیْرالْوارثین.»

حضرت حمزه افضل شهدا است

شیخ مفید از ابو ایّوب انصاری نقل می کند که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) خطاب به حضرت فاطمه(علیها السلام) چنین فرمود:«شهیدنا أفضل الشهداء و هو عمّک وَ مِنّا مَنْ جَعَل الله لَهُ جِناحَین یطیرُ بِهِما مَعَ الملائکهٔ وَ هُوَ ابنُ عَمّکَ». [۳۶] .«شهید ما أفضل شهدا است و آن عموی تو و از خاندان ما است؛ کسی که خداوند بر وی دو بال عنایت فرموده که در میان فرشتگان پرواز می کند و آن پسر عموی تو است.»

پاورقی

[۱] عبد المطلب ملقّب به شیبه الحمد، مردی عظیم و رفیع متصف به اوصاف حمیده و افعال پسندیده نصیح و ینبع بود قوم قریش او را قبول و با وجودش مباهات نمودند او کلیدداری خانهٔ کعبه و پرده داری کعبه را هر دو که بزگترین سمت در اسلام و قبل از اسلام به شمار می آورند بوده داشته، پاسخ صریح عبدالمطلب به فرمانده لشکر ابرهه به هنگام تهاجم به مکّه و نذر او در قربانی کردن یکی از فرزندانش همانند حضرت ابراهیم و کشف چاه زمزم و... بیانگر عظمت روح و ارتباط وی با عالم معنویات در سطحی فوق العاده و خارج از متعارف است.

[۲] زیدبن حارثه از نزدیکترین و صمیمی ترین اصحاب پیامبر است که او را به پسر خواندگی خویش پذیرفت و در جنگ موته فرماندهی لشکر را به او محول نمود و او در بین جنگ به شهادت رسید.

[۳] حشر: ۸.

[۴] بر خلاف طبقات ابن سعد و کامل ابن اثیر و طبری فقط حمزه را به عنوان حواستگار معرفی می کند ولی با توجه به اینکه همهٔ

مورخان نوشته اند که خطبهٔ عقد به وسیلهٔ ابوطالب ایراد گردیده و متن خطبه نیز در منابع منعکس شده است. معلوم می گردد او نیز به همراه حمزه در امر ازدواج پیامبر دخیل بوده است.

[۵] «و آنان که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی اند، برای آنها آمرزش«رحمت خدا» و روزی شایسته ای است.» انفال: ۷۴.

[۶] «کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند با کسانی که بعد از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند، یکسان نیستند، آنها بلند مقام تر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند.» حدید: ۱۰.

[۷] حجّ: ۱۹.

[۸] ج۴، تفسیر سورهٔ حج.

[۹] به تفسیر الدر المنثور و المیزان، تفسیر سوره حج مراجعه شود. [

[۱۰] به تفسیر الدر المنثور و المیزان، تفسیر سوره حج مراجعه شود.

[۱۱] به تفسیر الدر المنثور و المیزان، تفسیر سوره حج مراجعه شود.

[۱۲] به تفسیر الدر المنثور و المیزان، تفسیر سوره حج مراجعه شود.

[۱۳] عبیده بن حرث بن عبدالمطلب، پسر عموی رسول خدا است. او از شجاعان عرب و از مدافعان اسلام بود که در جنگ بدر به شهادت رسید.

[۱۴] تفسیر فرات کوفی، ص ۲۷۱.

[۱۵] احزاب: ۲۳.

[۱۶] تفسیر قمی، ج۲، ص۱۸۸.

[۱۷] صوائق محرقه، ص ۸۰.

[۱۸] ص: ۲۸.

[۱۹] تفسیر فرات کوفی، ص۳۵۹، چاپ سال ۱۴۱۰ هـ تهران.

[۲۰] توبه: ۱۱۹.

[۲۱] مجمع البیان، ج۳، ص ۸۱، چاپ صیدا.

[۲۲] نساء: ۶۹.

[۲۳] کنز الفوائد، به نقل بحارالانوار، ج۲۴، ص ۳۱.

[۲۴] عنکبوت: ۵ و ۶.

[۲۵] تفسیر فرات کوفی.

[۲۶] «قالت یا رسول اللّه ـ صلی اللّه علیه و آله و سلم ـ هو سیّد الشهداء الذین قُتِلوا معه؟ قال بل سید شهداء الأوّلین و الآخرین، ما خلا الأنبیاء و الأوصیاء». مشروح و متن این حدیث را در اکمال الدین، ج۱، صص۲۶۴-۲۶۳، چاپ دارالکتب الاسلامیه ملاحظه کنید.

[۲۷] «نحن بنو عبدالمطلب ساده اهل الجنه، رسول اللّه و حمزه سیدالشهداء...». امالی صدوق، مجلس هفتاد و دوم.

[۲۸] امالی صدوق، مجلس هشتاد و دوّم، عمده ابن عقده ۲۸۱.

[۲۹] کافی کتاب العقیقه باب الأسما و الکنی.

[۳۰] خصال باب الأربعه.

[۳۱] اصابه، ج ۱، ص ۳۵۴.

[۳۲] تفسیر امام حسن عسکری، ص ۱۷۶، چاپ ۱۳۱۴.

[۳۳] بصائر الدرجات، ص ۳۴؛ بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۷.

[۳۴] شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۶۱.

[۳۵] انبیاء: ۴۹.

[۳۶] امالی شیخ، به نقل از بحارالأنوار، ج ۲۲، ص ۲۷۳.

[۳۷] وی از اصحاب امام حسن عسکری است. و کتابش، قرب الاسناد، از منابع حدیثی شیعه می باشد.

[۳۸] قرب الإسناد، چاپ کوشانفر، ص ۳۹.

[۳۹] مشروح این سخنرانی در احتجاج طبرسی، ج ۱، صص ۱۸۸-۲۱۰ آمده است.

[۴۰] کافی، ج ۱، ص ۴۵۰.

[۴۱] نساء: ۷۰-۶۹.

[۴۲] عن الأصبغ بن نباته قال رأیت امیر المؤمنین یوم افتتح البصره و رکب بَغْلَهَ رسول اللّه (ثم) قال اَیّها الناس اَلا اُخبرکم بخیر الخلق یوم یجمعهم اللّه؟ فقام الیه ابو ایّوب الأنصاری فقال یا امیر المؤمنین، حدّثنا فانّک کنت تشهد و نغیب فقال انّ خیر الخلق یوم یجمعهم اللّه، سبعه مِنْ وُلْدِ عبدالمطلب لا ینکر فَضلَهُم اِلّا کافر و لا یجحد به الّا جاحد، فقام عمّار بن یاسر ـ رحمه اللّه علیه ـ فقال یا امیرالمؤمنین، سِمْهم لنا لنعرفهم، فقال: انّ خیر الخلق یوم یجمعهم اللّه الرسل وانّ اَفضل الرّسل محمد ـ صلی اللّه علیه و آله و سلم ـ و انّ افضل کلّ أحد بعد نبیّها وصیّ نبیّها حتّی یدرکه نبیّ اَلا وَ انّ أفضل الأوصیاء وصیّ محمد ـ صلی اللّه علیه وآله وسلم ـ اَلا و انّ أفضل الخلق بعد الأوصیاء الشهداء، اَلا و انّ اَفضل الشهداء حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی طالب لَه جناحان خضیبان یطیر بهما فی الجنّه لم یُنْحَل اَحَدٌ من هذه الأمّه جناحان غیره شیء، کرّم اللّه به محمداً و شرّفه و السبطان الحسن و الحسین و المهدی یجعله اللّه من شاء منّا اَهْل البیت ثمّ تلا هذه الآیه (وَ مَنْ یُطِعْ اللّه وَ الرَّسُولَ فَأُوْلَئِکَ مَعَ الَّذینَ أَنْعَمَ اللّهُ عَلَیْهِمْ مِنْ النَّبِیّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُوْلَئِکَ رَفِیقاً ـ ذَلِکَ الْفَضْلُ مِنْ اللّهِ وَ کَفَی بِاللّهِ عَلِیماً).

[۴۳] نهج البلاغه، نامهٔ ۲۸.

[۴۴] مشروح این مناظره در احتجاج طبرسی، ج ۱، صص ۳۳۵-۳۱۸؛ بحار، ج ۱۰ صص ۱۷، ۴۹، ۵۱ و ۲۹۸-۲۷۳.

[۴۵] مجالس طوسی به نقل بحارالأنوار، ج ۲۲، ص ۲۸۳.

[۴۶] این سخنرانی با مختصر اختلاف در متن آن، در تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۲۸؛ کامل ابن اثیر ج ۳، ص ۲۸۷؛ ارشاد مفید، ص ۲۳۴؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳ و طبقات ابن سعد آمده است.

[۴۷] امالی صدوق، ص ۲۷۷؛ بحارالأنوار، ج ۲۲، ص ۲۷۴ و ج ۴۴، ص ۲۹۸.

[۴۸] کافی، ج ۲، ص ۳۰۸.

[۴۹] در کامل بهایی، که نفس المهموم هم از وی نقل کرده است، به جای «حضرت فاطمه» آمده است و «المهدی الّذی یقتل الدّجال».

[۵۰] مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۶۹.

[۵۱] نحل: ۱۲۵.

[۵۲] تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۷۴.

[۵۳] خصال، ابواب السّته.

[۵۴] الفصول المختاره، ج ۱، ص ۸۴ و بحارالأنوار، ج ۱۰، ص ۴۴۲.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

